

پیدایش و گسترش فساد اقتصادی: تحلیلی از دیدگاه اقتصاد خرد

مترجم: کورش صدیقی

خلاصه.

در این مقاله این مطلب مطرح می‌شود که امکان مشارکت در فساد و ارتشا ناشی از قدرت و اختیارات شبه انحصاری یکی از طرفین مشارکت در فساد و ارتشاست. این اختیارات یا در جریان عادی امروز و از طریق واسطی و تقایف در بنگاهها و مؤسسات دولتی و عمومی تفویض می‌شود، یا با واسطه پیمان صریح یا ضمنی با طرفی دیگر، یا از راه نهاد رسمی مستی بر عمل صادقانه نه عمل می‌گردد. گسترش فساد عموماً با جلب حمایت افراد بیشتر در قالب یک یا چند فعالیت انجام می‌پذیرد. این حمایت برای کاهش و از بین بردن خطرات، رفع مسائل مربوط به تجزیه‌ناپذیری و استحصال منافع نسبی ناشی از ایجاد شبکه‌های فساد و ارتشا ضروری است.

۱. مقدمه

راستاست. مقاله به این صورت سازمان یافته است: در بخش ۲، با توجه به مقاصد و هدفهای تحلیلی مقاله، تعریفی از فساد ارائه شد. در بخش ۳ توضیح و نشان خواهیم داد که چگونه فساد و ارتشا به صورت اندامی منفرد و غیر جمعی پدیدار می‌شود و ادامه می‌یابد. در بخش ۴ بحثی در باب عوامل اصلی تشویق و تداوم فساد و ارتشا از دیدگاه اقتصاد خرد مطرح خواهد شد. در بخش ۵ به اوضاع و احوالی اشاره خواهیم داشت که به گسترش فساد و ارتشا در یک فعالیت یا در چند فعالیت مرتبط با هم کمک می‌کند، و بالاخره، در بخش ۶ چند نکته پایانی مطرح و ارائه خواهد شد. نمونه‌ها و مصادیق فساد و ارتشای متمایز از آن به قسمتی

شیوع فساد در بسیاری از کشورهای جهان سوم امری است انکارناپذیر، درباب ماهیت، وسعت و علل فساد مطالعات و بررسیهای متعددی به عمل آمده‌است^{*}. با وجود این، به نظر نمی‌رسد هیچ یک از این مطالعات به یک تحقیق منظم اصولی معطوف باشند که از دیدگاه اقتصاد خرد تبیین کننده فساد و ارتشا به طور کلی و علل و عوامل تداوم و رشد آن است. چون مصادیق فساد و به طور خاص رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی را در نظامهای اقتصادی گوناگونی می‌توان یافت به نظر می‌رسد که بررسی این مسئله از دیدگاه اقتصاد خرد به مراتب مطلوبتر باشد. این مقاله کوششی در این

* در این رساله می‌توانید ملاحظه کنید که:

متنوع و متعدّدند که حتی طرح تفصیلی فقط چند مورد از آنها نیز نه امکانپذیر است، نه احتمالاً لازم. هدف محدود این مقاله با توضیح اصول با استناد به یکی دو مورد از مصادیق و نمونه‌های فساد و ارتشا و سپس نشان دادن قابلیت تعمیم این اصول به موارد دیگر، تأمین می‌شود.

۲. تعریف فساد

مفهوم فساد بار اخلاقی دارد، زیرا فساد ماهیتاً متضمن تخطی از موازین و معیارهای رفتاری است. بنابراین، بدون ارائه تعریف مناسبی از عناصر اصلی سازنده و تشکیل دهنده این موازین و معیارها، از لحاظ تحلیلی پیشرفت زیادی میسر نخواهد بود. وقتی قوانین کشور نیز در عین حال این موازین را تسجیل کند، تخطی از آنها تخطی از قوانین محسوب می‌شود و علی‌الاصول مستوجب مجازات است. هنگامی که قوانینی در این زمینه وجود نداشته باشد، فقط نكوهش و مجازاتهای اجتماعی حافظ موازین و معیارهای رفتاری است. بنابراین، قلمروهای قانون و اخلاق فقط جزئاً با یکدیگر تداخل دارند؛ همه افعال و اعمال غیراخلاقی لزماً افعال و اعمال غیرقانونی نیستند، و برعکس، بدین ترتیب، مشکل تعریف فساد پیش می‌آید و اینکه چه اعمالی را باید فساد قلمداد کرد اگر همه افعال و اعمال غیرقانونی را فساد تعریف کنیم، آنگاه خرید و فروش مواد مخدر و قتل و آدمکشی هر دو به یک میزان فساد محسوب می‌شوند. از طرف دیگر، در صورتی که همه افعال و اعمال غیراخلاقی را فساد تلقی نماییم، آنگاه دروغگویی و غیبت، سربرازدن فرزندان از کمک به پدر پیرش، یا امداد نرساندن به شخصی که در جاده دچار سانحه و تصادف شده‌است، همه به یک میزان فساد محسوب خواهند شد. بنابراین، لازم است که فساد با توجه به هدفهای تحلیلی مورد نظر تعریف شود. در این مقاله، هر فعل یا عملی که با قصد استفاده‌های مالی

و غیر آن و از طریق نریغیب و دادن اجازه ضمنی به فعالیت‌های غیرقانونی صورت گیرد، فساد تعریف خواهد شد. این منافع در عین حال ممکن است با ایجاد مزاحمت برای مردم بی‌گناه و از طریق سوءاستفاده از قدرت و اختیاراتی به دست آید که خود به واسطهٔ پیمان صریح یا ضمنی با طرفی دیگر، یا از راه قول و قرار و تمهید رسمی مبنی بر عمل صادقانه تحصیل شده‌است؛ دامنهٔ این تعریف طبعاً تا حدودی تنگتر از مفهوم متعارف فساد است. برحسب تعریف ما هر فعل یا عملی که قانوناً سزاوار مجازات یا اخلاقاً سزاوار ملامت باشد، فساد محسوب نخواهد شد. برای روشن شدن مطلب، مورد قاچاق و ورود غیرمجاز کالاهای خارجی به کشور را در نظر می‌گیریم. وقوع این امر ممکن است دلایل گوناگونی داشته باشد، از جمله، مستی و تبلی تعداد مأموران، کافی نبودن تعداد آنها و ناشایستگی پلیس مرزی. اگر قاچاق به یکی از این دلایل وقوع یابد، برحسب تعریف، فعلی که بتوان آن را فساد قلمداد کرد اتفاق نیفتاده است، زیرا سوء استفاده از قدرت یا خیانت در امانت واقع نشده است. مستی و ناشایستگی را می‌توان تقصیرهای بزرگ و تخلفاتی نابخشدنی قلمداد کرد و مستحق مجازات و کیفر شدید دانست، اما نمی‌توان آنها را فساد محسوب نمود. مع‌هذا، کار پلیسی که می‌تواند جلوی قاچاق را بگیرد، اما به علت همدست بودن با قاچاقچیان تمسداً به این عمل اقدام نکند، فساد محسوب می‌شود؛ زیرا در واقع او از قدرت خود برای منفعت شخصی و خصوصی استفاده کرده‌است. به همین دلیل، براساس تعریف ما، با وجودی که قاچاق به علت زیان رساندن به منافع عامه عملی متافی قانون و سزاوار کیفر است، مخالف فساد محسوب نمی‌شود.

۳. فساد به منزله نوهی مبادله

در هر عمل فساد دو طرف باید وجود داشته باشد.

یکی از طرفین، متقاضی و طرف دیگر عرضه کننده است. از این مبادله یکی از طرفین و معمولاً هر دو سود می‌برند. کالای مورد مبادله را کالا یا خدمت سیاه می‌نامیم و این از آن روی است که نام بهتری برایش نیافتیم. مطلب مورد بررسی ما در این بخش این است که چگونه در زمینه ورود کالاهای خارجی به کشور خدمت سیاه به وجود می‌آید. تصمیم این مورد به سالات و موارد دیگر برای خوانندگان هوشمند و تیزبین روشن بوده و پیچیدگی خاصی را متضمن نیست و در یکی از بخشهای بعدی به اختصار تبیین خواهد شد.

الف) عرضه تقاضای خود را ایجاد می‌کند

رشوه بهای خدمت سیاه است و بنابراین قبول آن فساد و ارتشا محسوب می‌شود. پیشنهاد رشوه همیشه و لافز در ابتدا ممکن است داوطلبانه نباشد. بعضی اوقات متقاضی (یعنی عرضه کننده خدمت سیاه) شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن بهترین راهی که برای انتخاب باقی می‌ماند دادن رشوه است. مثلاً فردی را در نظر بگیرید که پس از مدت زیادی اقامت در یک کشور خارجی به کشور خود بازگشته و چند قلم کالای مصرفی با دوام با خود همراه دارد. این شخص دقت و توجه لازم را نیز از لحاظ مقررات مربوط به کالای همراه مسافر اعمال کرده، و مطمئن است که به اتلام وارداتی او حقوق و عوارض گمرکی تعلق نمی‌گیرد. مأمور گمرک مسئول ترخیص کالاهای همراه مسافران ایرادهایی را در مورد اندازه، ساخت و ارزش اشیای وارداتی مطرح کرده، و مالیات قابل توجهی را مطالبه می‌کند. در عین حال، برای اینکه مبادا وارد کننده با پرداخت حقوق و عوارض رسمی به آسانی موافقت کند (که در این صورت، مبلغ پرداختی عاید خزانه خواهد شد)، با احتیاط به وارد کننده علامت می‌دهد که در ازای دریافت رشوه حاضر است به او کمک کند. این کوشش مأمور گمرک را می‌توان اقدام به ارتشا و فساد قلمداد کرده زیرا او

سمی کرده‌است که از اختیارات و قدرت قانونی و رسمی خود برای منفعت شخصی سوء استفاده کند. وارد کننده چه خواهد کرد؟ در این مورد امکانات متعددی را می‌توان در نظر گرفت: ۱) وارد کننده می‌تواند مالیات و عوارضی را که مأمور گمرک تعیین می‌کند بپردازد (شق پرداخت).

۲) وارد کننده می‌تواند در صورتی که مقامات بالاتر در محل حاضر و در دسترس بوده، و حاضر به دخالت در این نوع موضوعات باشند، از آنها بخواهد که در این امر دخالت کنند (شق دادخواهی و رسیدگی اداری). ۳) وارد کننده ممکن است کلاً از موضوع صرفنظر کند و از مطالبه کالاهایش دست بکشد (شق انصراف از ترخیص و قبول خسارت). ۴) وارد کننده ممکن است دادخواستی در این مورد تنظیم کرده و به دادگاه تقدیم کند (شق دادخواهی و رسیدگی قانونی). ۵) وارد کننده می‌تواند پیشنهاد را قبول کرده، و با مأمور گمرک معامله کند (شق رشوه‌دهی). وارد کننده پیش از آنکه تصمیم نهایی خود را بگیرد و یکی از این شقوق را انتخاب کند، کوششهایی در مورد به کارگیری شقوق دیگر نیز به عمل می‌آورد. ترتیب آزمودن شقوق مختلف قبل از گرفتن تصمیم نهایی و انتخاب یک شق خاص به عوامل مختلف، از جمله به هزینه و فراهم بودن سایر شقوق بستگی دارد. فرض کنیم که وارد کننده نهایتاً تصمیم بگیرد که به مأمور گمرک رشوه بدهد و به عبارت دیگر، خدمت سیاه را خریداری کند. در این حالت، طبقاً عرضه کننده در ایجاد و تأمین تقاضا برای خدمت مورد نظر مؤثر بوده‌است؛ به تعبیری، عرضه تقاضای خود را ایجاد کرده‌است.

ب) تقاضا عرضه خود را ایجاد می‌کند

در مطلب قبلی، مورد مربوط به رشوه گرفتن از وارد کننده، توسط مأمور گمرک مطرح شد. اکنون، عکس این مورد مطرح می‌شود. فرض می‌کنیم وارد کننده‌ای می‌خواهد کالاهایی را که جنبه قاچاق

و غیرمجاز دارد به عنوان کالاهایی که ورود آن مجاز است جا بزند یا اینکه درصدها است با اظهار و اعلام نادرست نوع کالاهایی که وارد کرده‌است، مشمول ارزیابی و پرداخت حقوق و عوارض کمتری شود (با این فرض که کالاهای متفاوت مشمول نرخهای تعرفه متفاوتی هستند). وارد کننده شخص قفل‌نمندی است و می‌تواند مأمور گمرک را زیر فشار قرار دهد، اما در صورتی که بتواند مطلب را با رشوه حل و فصل کند ترجیح می‌دهد که از روش اعمال فشار استفاده نکند. به عبارت دیگر، وارد کننده در درجه اول ترجیح می‌دهد که خدمت سیاه را خریداری کند. مأمور گمرک چه خواهد کرد؟ در این مورد چندین شق را می‌توان در نظر گرفت: ۱) مأمور گمرک تسلیم فشار نمی‌شود؛ ثقل را کشف و وارد کننده را مجبور می‌کند که عوارض مربوط را بپردازد و آماده است که با پیامدهای عملش به هر وجه که باشد مواجه شود (شق تقوی و درستکاری). ۲) مأمور گمرک تسلیم فشار می‌شود و کالاهای را ترخیص می‌کند (شق سازشکاری). با این عمل، مأمور گمرک در معرض تحقیق و بازرسی و حتی مجازاتهای احتمالی در آینده قرار می‌گیرد اما عجالتاً خود را از تهدیدها و پیامدهای ناشی از تسلیم نشدن می‌رهاند. ۳) مأمور گمرک مسکن است پیشنهاد وارد کننده را قبول کند (شق فرصت طلبی). در این زمینه نیز در مورد شق انتصابی نهایی مأمور گمرک فقط می‌توان حدسهایی را مطرح کرد. اگر پیش از رسیدن به تصمیم و انتخاب نهایی، مأمور گمرک مورد بحث ما شقوق مختلفی را بیازماید ترتیب آزمون شقوق مبین رتبه‌بندی رجحانهای است که او برای هر یک از آنها در مجامع شقوق مورد نظر قابل است. انتخاب نهایی منعکس کننده محدودیت‌هایی است که مانع تحقق شق مرجح می‌شود. در بعضی شرایط، وقایع ماندن به اصول تقوی و درستکاری و انتخاب این شق برای عمل کار بسیار دشواری است

زیرا فشار آنگیز زیاد است که تحمل آن برای یک فرد به تنهایی مقدور نیست، هر چند که انسانهای استثنایی نیز همیشه وجود داشته‌اند. شق سازشکاری در مقایسه با شق تقوی و درستکاری خطر کمتری را متضمن است. اما برای بسیاری از افراد شق فرصت طلبی کم‌هزینه‌ترین شقوق و در نتیجه پربارترین آنهاست. بنابراین، در این حالت می‌توان گفت که تقاضا برای خدمت سیاه عرضه خود را ایجاد کرده‌است؛ مأمور گمرک در فساد مشارکت کرده‌است.

ح) تلاقی نیما: اثر یادگیری از راه عمل هدف از مطرح کردن دو سناریوی فوق این بود که نشان داده شود که فساد چگونه آغاز می‌شود. اما با شروع جریان فساد تعیین اینکه کدام طرف باعث انگیزش آن دیگری شده، و اینکه تقاضا کننده عرضه کننده را تحریک و ترغیب کرده یا برعکس، دیگر مقدور نخواهد بود. وقتی فساد و ارتشا به مرحله بلوغ می‌رسد تقاضا کننده گان و عرضه کننده گان، درست همان گونه که در یک بازار متشکل و سازمان یافته معمول است، در جستجو و درصدد یافتن یکدیگر برمی‌آیند. این امر بعضاً ناشی از تکرار بازی و اثر یادگیری از راه عمل است. مثلاً، وارد کننده کالاهای مصرفی مداوم ما که یک بار به روش رشوه متوسل شده‌است، در دفعات بعد معمولاً از آزمون و اطمینانهای دیگر پرهیز خواهد کرد. او احتمالاً این تجربه را به دوستان و خویشاوندانش نیز منتقل خواهد نمود و به آنها توصیه خواهد کرد که اگر وضع مشابهی برایشان پیش آید به همین نحو عمل کنند. توجیه وارد کننده می‌تواند این باشد که اگر بدون تخطی از قوانین و مقررات به هر حال رشوه را باید بدهد پس بهتر آن است که قوانین و مقررات را نادیده گرفته و آنها را زیر پا بگذارد چرا؟ در حالت نخست، سود مأمور گمرک معادل ضرر وارد کننده است (بازی جمع صفر). اما در حالت دوم، هر دو طرف

با زیان رساندن به جامعه از مبادله سود می‌برند (بازی جمع مثبت). بنابراین، شخصی که ابتدا به طور ناخواسته در فساد مشارکت نموده بوده اکنون به صورت شریکی خواهان و مشتاقی در معامله وارد می‌شود. اگر در دور اول، عرضه خدمت سیاه تقاضایش را ایجاد کرده است، در دورهای بعدی عرضه کننده دیگر نیازی ندارد که در باب منافع و مزایای رشوه طرف مقابل را قانع و متقاعد سازد. فریبندگی به صورتی خودتأیی و خودبیار درآمده و شمرات سرمایه‌گذاری اولیه با به جریان افتادن آن حاصل گشته است. از جانب دیگر، مأمور گمرک نیز که ابتدا ناخواسته رشوه را پذیرفته است، اکنون به وارد کننده گان کالاهای غیرمجاز، قاچاقچیان و طرفه‌روهای مالیاتی به منزله منابع بالقوه درآمد می‌نگرد. در این مورد نیز باز با به وجود آمدن بازاری برای خدمت سیاه، فریبندگی به شکلی خودران و دایمی درآمده است!

2- عوامل مؤثر در ایجاد فساد

در این بخش به بررسی دقیقتر عواملی می‌پردازیم که فساد را ممکن می‌سازد. در این زمینه، نخست مطلب را با در نظر گرفتن یک مأمور در یک فعالیت واحد مورد تحقیق قرار می‌دهیم و سپس این نکته را تبیین خواهیم کرد که چرا در بسیاری موارد برای آنگاه اقدام به رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی و فساد به طور کلی عملی و سودآورتر باشد باید به صورت جمعی سازمان باید.

به طوری که ملاحظه شده، عرضه و تقاضای خدمت سیاه ناشی از نفع شخصی عرضه کننده گان و تقاضا کننده گان و با لاف (در مورد اخذی) نفع شخصی عرضه کننده است. در مثال ماء اعمال مراقبت‌های لازم برای جلوگیری از تأمین تقاضا در مورد خدمت سیاه مسئولیتی است که مقامات گمرکی عهده‌دار آنند. نفع جامعه فقط در صورتی تأمین می‌شود که این بازار از عمل وایماند (یعنی

بازاری برای خدمت سیاه وجود نداشته باشد). در موارد فساد در واقع این بازار از وایماندن وامی‌ماند و این وایماندگی مضاعف عامل ایجاد بازار برای فساد است.

فرض می‌کنیم که مأمور گمرک در مثال ما مستخدم دولت باشد که طبقاً موظف است فقط خدمت اجتماعی معینی (خدمت الف) را عرضه کند. اگر این مأمور دولتی جزو لیست دایمی حقوق اداره گمرک باشد و برای حفظ شغل یا پرهیز از تنبیهات شدید لازم باشد خدمت الف را در حداقل معینی عرضه کند (البته معمولاً این حد هم رسماً تعیین و تثبیت نمی‌شود)، مجبور است فقط همین حداقل خدمت الف را عرضه کند و انگیزه‌اش فقط در همین حد خواهد بود، نه بیشتر. در صورتی که حقوق و دستمزد این کار بر طبق قرارداد کم و بیش تعیین شده باشد (همان گونه که معمولاً نیز چنین است) درآمد کل این مأمور به مقدار خدمت سیاهی که می‌فروشد و قیمت آن بستگی خواهد داشت. بنابراین، مسئله حداکثر کردن درآمد حاصل از رشوه با قید امنیت شغلی است. این قید در واقع محدودیتی مهم و اساسی است. امکان تولید و فروش خدمت سیاه توسط مأمور مورد بحث ناشی از اختیارات و قدرتی است که پست دولتی در اختیار او قرار داده‌است. بنابراین، حفظ شغل حایز اهمیت است زیرا بدون شغل، مأمور مورد بحث با زیان مضاعف یعنی از دست دادن هم حقوق و هم رشوه روبرو خواهد شد.

اما چگونه و به چه علتی شخصی اختیار تولید و فروش نوعی خدمت سیاه را به دست می‌آورد؟ یک پاسخ کوتاه این پرسش می‌تواند این باشد که در بسیاری از فعالیتها با توجه به اندازه بازار و حداقل مقیاس لازم برای تولید محصول فقط یک نفر می‌تواند به طور مؤثر و کارآمد تولید یا حمل کند (انحصار طبیعی). در موارد دیگر، ایجاد بازار خصوصی میسر نیست (کالاهای عمومی) و باز در

موارد دیگر، پنگاهای خصوصی گاهی اساساً نامطلوب قلمداد می‌شوند (مثلاً در زمینه های بانکداری، بیمه، دفاع و نظایر آن). در زمینه این فعالیتها معمولاً انحصارهای دولتی یا پنگاههای دولتی به وجود می‌آیند که از طریق تشکیلات سلسله مراتبی اداره می‌شوند. تقسیم کار در این پنگاهها موجب می‌شود که قدرت شبه انحصاری در اختیار کارکنان یا گروههای اشتغالی آنان قرار گیرد و به اعتبار و اتکای همین اختیارات است که ایشان می‌توانند خدمت سیاه را تولید کرده و به فروش رسانند. بنابراین، بهایی که برای خدمت سیاه پرداخت می‌شود در واقع نوعی رانت برای این اختیارات و قدرت شبه انحصاری (که شب انحصاری^۱ از آن باب است که اختیارات و قدرت تقویض شده است) محسوب می‌گردد.

الف) اعمال قدرت انحصاری: مسائل انگیزشی و نظارتی

به فرض آنکه مأمور گمرکی ما این قدرت شبه انحصاری را به دست آورده باشد، باز این پرسش می‌تواند مطرح شود که چرا در سازمانهای سلسله مراتبی ساز و کارهای (مکانیزمهای) انگیزشی و نظارتی نمی‌توانند فساد را از بین برده یا کنترل کنند. قدرت رشوه گیری مأمور گمرکی ما به این بستگی دارد که تا چه حد او می‌تواند مقررات گمرکی را تفسیر به رای کند یا اینکه تا چه حد می‌تواند به بهانه بررسی مقاله و ارزیابی بیشتر و یا نداشتن وقت کار را به تأخیر اندازد. در واقع، این مأمور گمرکی امکاناتی را برای فراهم کردن مشکل و ایجاد مزاحمت در اختیار دارد، اما در صورتی که سازو کارهای رسیدگی اداری کارشان را سریع و به موقع و بیطرفانه انجام دهنده این گونه ایجاد مزاحمت نمی‌تواند چندان حائز اهمیت باشد و برای عامل مزاحمت نیز سود چشمانی در بر نخواهد داشت. ولی آیا این سازو کارها درست کار می‌کنند؟ برای اینکه پاسخ به این پرسش مثبت

باشد، مقامات رده بالا باید اشخاص صادق و وظیفه‌شناسی باشند و از مداخل و خارج برای انجام نقادان وظیفه‌شان و یا تبعیض قابل شدن زیر فشار نباشند. بنابراین، شرط لازم صداقت و وظیفه‌شناسی است. اما، در عین حال، انگیزه‌های اقتصادی تیرمندی وجود دارد که می‌تواند بر رفتار مقامات اثر بگذارد و موجب شود که به گونه دیگری عمل نمایند.

ب) نادرستی

به صداقت و درستکاری به منزله کالایی مصرفی می‌توان گاهی به خاطر خودش ارزش داد و لراج نهاد. اما صداقت غالباً کالایی واسطه‌ای است که به واسطه ارزش ابزاری‌اش (یعنی ارزشی که به عنوان یک وسیله برای رسیدن به یک هدف دارد) تقاضا می‌شود. در این صورت، بذر صداقت به امید پاداش پاشیده می‌شود. به همین نحو، پرهیز از نادرستی نیز به واسطه بیم مجازات مستگین و فرار از آن است. جرایمی بسیاری، افق این بیم و امید از عمر شغل یا به هر حال از عمر خودشان فراتر نمی‌رود. می‌توان چنین فرض کرد که مقامات مورد نظر ما افراد خودخواهی هستند که انگیزشهای دگرومستی در آنها ضعیف است و اساساً به سابقها و محرکهای برخواست از نفع شخصی پاسخ می‌دهند و بنابراین قصد نفاذی که به هر قیمت صادق باشند یا صادق بهمانند. اینان احتمالاً فقط در صورتی وظیفه خود را در نسبت انجام خواهند داد که درست انجام ندادن وظیفه عجزاتهای گزافی (چون تعلیق و انفصال از خدمت، تنزل رتبه، اخراج و حبس) را متضمن باشد و درست انجام دادن آن پاداشهایی (چون افزایش حقوق، ترفیع، تقدیر و سایر مزایای غیر پولی) را در پی داشته باشد. در مورد زیردستان ایشان نیز همین انگیزشها مطرح است.

در جوامع سامان یافته و منظم، نادرستی از نوعی که بیشتر مذکور افتاد قانون شکنی محسوب می‌شود و مستحق تنبیه و مجازات است. اما در

محیطهایی که امکان و احتمال مجازات بعید و ضعیف باشد نادرستی بی‌اجر نمی‌ماند. برای روشن شدن مطلب فرض می‌کنیم که مسئولی بدون توجه و اعتنا به نظر زبردستش واردکننده را مجبور کند که مالیاتهای مربوط را بپردازد. در واقع او با این کار فقط وظیفه‌ای را انجام داده‌است که به ازای آن حقوق دریافت می‌کند و طبیعتاً در قبال آن انتظار پاداش دیگری را ندارد. و باز فرض می‌کنیم که عملکردهای بهتر و برتر به دلایلی (مثلاً به دلیل اشکال سنجش و ارزیابی عملکرد یا انتظاف ناپذیری اداری از لحاظ تنظیم حقوق و پاداش و تطبیق آن با عملکردها) نه سنجش و ارزیابی شده و نه حتی تشخیص داده شود و در نتیجه حقوق و مزایای افراد فقط به عملکرد متوسط در سازمان متصل باشد. بدین ترتیب، کسانی که عملکردشان برتر از دیگران است پکنی از این دو راه را انتخاب خواهند کرد: ۱) اگر فکر کنند که در جای دیگر می‌توانند درآمد بیشتری کسب کنند، احتمالاً از سازمان خواهند رفت؛ ۲) اگر تصمیم بگیرند که بمانند، می‌توانند به دلیل نبود انگیزه نسبی کافی از عملکرد خود بکامند. در چنین محیطی، مقام گمرکی مورد نظر ما با تئانی با مأمور زبردست خود و با واردکننده کالاها، غیرمجاز می‌تواند وضعیتش را بهبود بخشد (یعنی درآمد بیشتری تحصیل کند). مابذای خدمتی که بدین نحو عرضه می‌شود باید کمتر از ارزش بازار کالاها، مورد نظر و با کمتر از مبلغ مالیاتی باشد که در صورت معلوم شدن هویت و مشخصات واقعی کالاها، وارد شده باید پرداخت شود. در غیراین صورت جالب نخواهد بود.

هر گاه واردکننده از معامله سود ببرد، به نفع او خواهد بود که با رشوه دادن به مسئولان و مأموران گمرک نادرستی را تشویق کند. در عین حال، اگر احتمال مجازاتهای سنگین نتواند جلو رشوه گرفتن این گونه مسئولان و مأموران را بگیرد

و تأیید و تشدید و پاداشهای عادی نیز نتوانند انگیزشهای لازم را برای انجام وظیفه صمیمانه و صادقانه در آنها ایجاد کند، آنها مالمستعد و آماده خواهند بود که در تعیین حقوق و عوارض گمرکی تقلبهایی را اعمال کرده، دولت را فریب دهند و با فراهم کردن مزاحمت برای مردمان بی‌گناه به ارتشا و اخاذی مبادرت نمایند.

ج) مشکلات اجرایی: صداقت کافی نیست

حتی در صورتی که مسئولان رده بالا صادق و وظیفه‌شناس باشند و مانع نشوند برای انجام وظایفشان وجود نداشت باشد، باز هم به علت بعضی ویژگیهای فنی وظایف نقویض شده که کارکنان رده‌های پایین عهده‌دار انجام آنند، امکان فساد و ارتشا از بین نخواهد رفت. گاهی مسئول رده‌بالا در زمینه شواهد یا اظهارات و ادعاهای مربوط به یک مورد معین ناگزیر است به اطلاعاتی اتکا کند که زبردستانش به او می‌دهند و برای تحقیق در باره صحت و عدم این اطلاعات همیشه راههای مستقلی در اختیار ندارد.

این امر به بی‌تولزی اطلاعات بین زبردستان و بالادستان منجر می‌شود (اطلاع بیشتر زبردستان نسبت به بالادستان). دلایل ایجاد این بی‌تولزی متعدد است. زبردستان مستقیماً کالاها را بازپدید و بازرسی می‌کنند و از لحاظ فنی در زمینه آن بخش از مشخصات کالاها که مورد بازرسی و ارزیابی قرار می‌دهند احتمالاً دارای تخصص و تجربه. بنابراین ایشان می‌توانند اطلاعات را دستکاری کرده، و در نحوه ارائه آن اعمال نظر کنند و به گونه‌ای وانمایند که کالاها مشمول مالیاتهای سنگین و یا سبک شوند بدون آنکه خود را در معرض اتهام دروغگویی و یا تعریف و انقیابت قرار دهند. وقتی ویژگیهای فنی کالاها دقیقاً تعریف نشده باشد و یا نتوان آنها را به صورت ساده و روشن تعیین کرد، راه برای تفسیر و ارزیابیهای شخصی باز است. چون میزان مالیاتها و عوارض به همین تفسیرها و به

واقعیاتی که ارائه می‌شود یا مورد تأکید قرار می‌گیرد بستگی دارد، دامنه این گونه اعمال نظرها می‌تواند وسیع و گسترده باشد. در بعضی موارد، امکان اعمال نظر شخصی در تعیین مشخصات فنی کم است اما مقررات گمرکی را می‌توان به صورت مختلفی اعمال نمود و این امر یا ناشی از آن است که مقررات مزبور دارای چهارچوب منجمدی نبوده و به نحو شایسته و دقیقی تنظیم نشده‌است و یا اینکه شرایط، مواد و پیش‌بینی‌هایی در آن هست که قابل تفسیر بوده و می‌تواند موضوع احکام مختلفی واقع شود. این عوامل فنی کشف تقلبها را مشکل و پرهزینه می‌سازد. حتی وقتی امر تفتیش و کشف امکانپذیر است، گاهی گردآوری مدارک مسلم لازم برای اقدامات تأدیبی و انضباطی دشواری‌هایی را ایجاد می‌کند. تحمیلها و اعمال نفوذهایی که از جانب اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی، مدیران رده بالا و جز آن برای مسانمت از اجرای قانون به عمل می‌آید نیز کار را مشکلتر می‌سازد. نتیجه این امر احتمالاً آن است که تخلفات جزئی به علت مشکلات ارزشیابی عملکرد و تأدیب کارکنان تحمل می‌شوند و از طریق اعمال نفوذ بر روی قانون‌شکنیها، خطاها و تخلفات بزرگ سرپوش گذاشته می‌شود. این عوامل همگی موجبات کاهش بیشتر انگیزه‌های تفتیش و کشف را فراهم می‌کند، زیرا سازوکارهای تنبیه و مجازات متخلفان و متقلبان به نحو مطلوبی عمل نمی‌کنند.

۵. گسترش فساد

الف) فساد به منزله اقدامی مشترک اکنون باید این پرسش را مطرح کرد که چرا ارتشا عموماً به صورت اقدامی مشترک و جمعی و نه به صورت اقدامی فردی انجام می‌شود. فردی که به تنهایی اقدام به رشوه‌گیری کرده، همیشه قادر نخواهد بود که به عمل خود یعنی عرضه خدمت سیاه برای مدت طولانی ادامه دهد. این عجز ناشی

از چند عامل اساسی است که چند مورد آن در زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

یکم - عدم اطمینان یا عدم قطعیت

توزیع قدرت ممکن است به گونه‌ای باشد که یک فرد به تنهایی نتواند خدمت مورد نظر را به صورت تمام و کمال به نحوی که از دیدگاه تقاضاکننده قابل قبول باشد، عرضه کند. در چنین حالتی، مسئله تجزیه ناپذیری عرضه مطرح می‌شود. برای اینکه مطلب روشن شود مورد مربوط به مأمور گمرک دوم را در نظر می‌گیریم؛ اما در عین حال به آن این فرض را نیز می‌افزاییم که قدرت ترخیص کالا بین این مأمور و چند تن دیگر که در مراحل دیگری از بررسیهای مربوط به ترخیص دخالت دارند تقسیم شده‌است و تأیید این افراد نیز حایز اهمیت است. بنابراین، ترخیص کالا در صورتی امکانپذیر است که همه این افراد به طور متفرد یا مشترک با امر ترخیص کالا موافقت نمایند (خدمت سیاه را عرضه کنند). در زیر، ما پیامدهای احتمالی حرکتیهای فردی را در مورد فروش خدمت سیاه با در نظر گرفتن دو نوع عدم قطعیت یا عدم اطمینان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دوم - عدم قطعیت قیمت

فرض کنیم که واردکننده تقریباً به طور قطع بداند که همه افرادی که در جریان ترخیص دخالت دارند مایلند خدمت مزبور نظر او را بپروشند اما در عین حال نمی‌دانند که این فروش را طی معاملات جداگانه‌ای انجام دهند. اگرچه در این حالت عدم قطعیتی از لحاظ تمایل فروشنده گان بالقوه وجود ندارد اما از لحاظ قیمت عدم قطعیت شدیدی وجود دارد زیرا فروشنده گان قصد ندارند که با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. چون هر یک از فروشنده گان قیمت مورد نظر خود را مستقل از سایرین تعیین می‌کنند، گاهی هزینه کل خدمت مورد نظر (یعنی ترخیص کالا) - که اکنون مشتمل بر یک رشته خدمات از نوع سیاه است) خیلی بیشتر از حدی

خواهد بود که برای وارد کنند کالای غیرمجاز قابل قبول است. در این حالت، بازار خدمت سیاه به زخم وجود فرصتهای تجاری سودآور از بین خواهد رفت. اگر فروشنده گان به این مطلب پی ببرند ممکن است مالا آماده باشند که برای عرضه این خدمت به شکل نسبتاً کامل به صورتی با هم تفاهم کنند. یکی از عواملی که در دستیابی به این توافق مؤثر است امکان کاهش قابل ملاحظه در هزینه معاملات است که متضمن توافقاتی جداگانه با واردکننده است. اما اختلاف نظر در مورد نحوه توزیع منافع نیز در رسیدن به توافق در جهت عکس این عامل اثر می گذارد.

سوم - عدم قطعیت عرضه

اکنون فرض می کنیم که واردکننده در مورد تمایل به فروش فروشنده گان بالقوه و قیمتتایی که مطالبه خواهند کرد نامطمئن باشد. در این حالت نیز باز بازار در معرض نابودی است و برای نجات آن اقدام مشترک عرضه کنندگان ضرورت دارد. در این مورد نیز هزینه معاملات و عدم اطمینان محدودیتهای بالقوه مهمی از جهت حصول توافق بین فروشنده گان محسوب می شود. ناهمگونی رجحاناتی فروشنده گان و هزینه های فرصت در نزد ایشان به این موانع کمک می کند. اگر شمار فروشنده گان فوق العاده زیاد باشد توافق ممکن است حاصل نشود و در صورت حصول توافق نیز موافقت حاصل شده حالت آسیب پذیری خواهد داشت. در گروههای کوچک، هم رنگی با جمع و رفتار مشترک به سهولت قابل تشخیص است و رفتار غیرمبتنی بر تعاون نیز به سادگی کشف و مجازات می شود. در مورد گروههای بزرگ، عکس این مطلب صادق است. بنابراین، رفتار مبتنی بر تعاون بیشتر احتمال دارد که در گروههای کوچک مصداق پیدا کند تا گروههای بزرگ.

چهارم - رازپوشی

عامل دیگری که مستلزم اقدام جمعی است هیچ

ارتباطی با اتصال و اشتراک عرضه به مفهوم فنی مذکور در فوق ندارد. ضرورت رازپوشی و مخفیانه نگه داشتن معامله تعاون را ایجاد می کند. برای روشن شدن مطلب فرض می کنیم که مأمور گمرک ما در مورد ترخیص کالاهای غیرمجاز و ممنوع الوورد دارای قدرت انحصاری باشد، یعنی به عبارت فنی تر برای فروش خدمت سیاه به قدرت و اختیارات لازم مجهز باشد. این مأمور گمرک شاید بتواند در یک یا چند مورد اقدام به رشوه گیری کند و اگر بتواند عملش را مخفی نگه دارد شاید برای مدتی طولانی نیز بتواند به این کار خود ادامه دهد. با وجود این، به هر حال زمانی این عمل رشوه گیری او توجه کسانی را که با او کار می کنند و از امورش اطلاع دارند جلب می کند. این اشخاص ممکن است موضوع را به مقامات بالاتر که برای کنترل داخلی نشنه این گونه اطلاع دارند، گزارش کنند. این اشخاص در عین حال می توانند با استفاده از این امکان و تهدید مأمور گمرک مورد نظر حق و حساب خود را مطالبه کنند. بنابراین، این سؤال مطرح می شود که آیا مأمور گمرک ما اساساً تمایلی به شریک شدن با دیگران در این زمینه دارد یا نه و در صورت تمایل به شراکت تا چه حد مایل است آنها را در این درآمد سهم سازد. این امر به عوامل متعدد و از جمله ارزیابی مأمور گمرک در مورد اعتبار و قوت این تهدیدها و نیز ارزیابی او در مورد زیانهای بالقوه ناشی از اجرای این تهدیدها بستگی دارد. هر چه شمار کسانی که مایلند در این درآمد خود را شریک سازند زیادتر بوده، و هر قدر مبالغی که مطالبه می کنند بیشتر باشد، انگیزه اقدام به رشوه گیری کمتر خواهد بود.

پنجم - فرایند استخدام

اگر فساد در فرایند استخدام رخ کند این امر فقط باعث تعاون فساد نخواهد شد بلکه موجبات فرسایش پیوسته کارایی عملیاتی را نیز فراهم خواهد

کرد. گرایش فرابندهای استخدام آمیخته به فساد در جهت گزینش افرادی است که دارای ظرفیت انجام کار کمی هستند اما در عین حال انگیزشهای رشوه دادن و رشوه گرفتن در آنها قوت دارد. این اشخاص مشاغل خود را با رشوه به دست می آورند، مشاغلی که ظرفیت رشوه گیری بالقوه بالایی دارند. به همین دلیل است که گاهی اشخاص ظاهراً دارای صلاحیت‌های بالا برای مشاغلی که حقوق و دستمزدی نسبتاً اندک اما چشم‌انداز رشوه گیری فوق‌العاده‌ای دارند صف می‌کشند و باز به همین دلیل است که بعضی اشخاص حاضرند با صرف هزینه‌های زیاد به مشاغل دولتی دست یابند. در این موارد به معنای رشوه را می‌توان به ورودی‌های تشبیه کرد که شخص برای عضویت در باشگاه معینی می‌پردازد تا بتواند از مزایا و تسهیلات آن بهره‌مند شود.

ب) منافع طبیعی به وجود آمدن شبکه‌های فساد و ارتشا: فساد فساد به بار می‌آورد

همان گونه که پیش از این گفته شد، در محیطی که تسبیحکاری و رفاقت ناپدیده گرفته شود و درستکاری و صداقت بی‌پاداش بماند و یا حتی مجازات شود، زمینه مستعد و بارآوری برای فساد فراهم خواهد بود. بنابراین، طرح این پرسش که چگونه چنین محیطی ایجاد می‌شود جایز اهمیت است. چون این مسئله در واقع مسئله بزرگی است که نمی‌توان آنرا با چند جمله بررسی و تبیین نمود، بحث زیر را صرفاً باید پاسخی قابل قبول و نسبتاً معقول به این پرسش قلمداد کرد:

عروماً گسترش فساد در یک فعالیت واحد از نقطه معینی به بعد بدون پشتیبانی فعالیت‌های مرتبط با آن دشوار می‌گردد ما پیش از این به ضرورت سازماندهی و اقدام جمعی در مورد رشوه‌گیری در یک فعالیت واحد اشاره داشتیم. برای فساد و ارتشا، همان گونه که همکاری بین افراد در یک فعالیت واحد مفید و حتی لازم است تعاون بین

فعالیت‌های مرتبط با هم نیز ضرورت دارد. بدون وجود چنین تعاونی، متقاضیان طالبان خدمات سیاه تا حدود زیادی با عدم قطعیت عرضه، به ویژه از لحاظ تمامیت خدمت عرضه شده (که اکنون باید آن را در قالب مفهومی گسترده‌تر از معنایی که در مورد یک فعالیت واحد مطرح کردیم تعریف نمود)، مواجه خواهند بود. با گسترش دامنه فساد و ارتشا به فعالیت‌ها و بخش‌های مرتبط با هم، فساد و ارتشا تبعات شبکه‌ای خود را ایجاد می‌کند و این امر موجبات گسترش بیشتر آنرا فراهم می‌نماید. این تبعات صرفه‌های مقیاسی را از بابت تقاضا ایجاد می‌کند زیرا کردن کاری که دیگران می‌کنند منافعی را متضمن است. بهترین مثال این نوع تبعات، شبکه مخابرات است. هر چه تعداد مشترکین شبکه بیشتر باشد انگیزه مشترک شدن بیشتر خواهد بود. به همین نحو، فساد و ارتشا در یک فعالیت با وجود فساد و ارتشا در فعالیت‌های مرتبط با آن تسهیل می‌گردد و در نتیجه فساد و ارتشا رشد نموده و به کار و کسب بزرگی تبدیل می‌شود و در مقیاس وسیع انجام خواهد گرفت.

برای روشن شدن مطلب، فرض کنیم که پلیس مرزی فاسد و رشوه‌گیر بوده و اجازه داده باشد که کالاهایی که ورود آن غیرمجاز و ممنوع است به طور غیرقانونی وارد کشور شود. اگر پلیس داخلی که خطوط و مسیرهای توزیع را پاسداری می‌کند سالم باشد و کالاهای قاچاق را مصادره نماید تمایل به قاچاق کاهش خواهد یافت و با کاهش کالای قاچاق تقاضا برای خدمت سیاه نیز در مرزها تقلیل پیدا می‌کند. اما اگر پلیس‌راه داخلی نیز فاسد و رشوه‌گیر باشد و مانع توزیع کالاهای قاچاق نشود تقاضا برای خدمت سیاه فاعداً افزایش خواهد یافت. به علاوه، اگر پلیس شهری نیز فاسد و مرتشی باشد و با ورود و پوروش ناگهانی به مغازه‌ها و فروشگاه‌ها و سایر اماکن کسب اقدام به کشف کالاهای قاچاق نکند، تقاضا برای خدمت سیاه باز

هم بیشتر افزایش خواهد یافت.

عامل دیگری که در جهت عکس و کاهش تقاضا برای خدمت سیاه عمل می‌کند، افزایش بهای کالاهای قاچاق است که علت آن گسترش شبکه رشوه‌گیری و لزوم پرداخت رشوه‌های متعدد برای کالای واحد است. هر قدر قیمت کالای قاچاق بیشتر باشد تقاضا برای آن کالا و به تبع آن، تقاضای مشتق برای خدمت سیاه کمتر خواهد بود. باز شدن مسیر به روی کالاهای قاچاق از مبادی اولیه ورود تا نقاط پایانی توزیع و به وجود آمدن امکان ورود کالاهای قاچاق در حجم‌های قابل ملاحظه تا حدودی می‌تواند این روند و گرایش را خنثی کند. در این فرایند، قاچاقچیان کوچک جای خود را به عاملان بزرگ سازمان یافته‌ای خواهند سپرد که تأدیب ایشان با توجه به قدرت سیاسی و اقتصادی که عموماً در اختیار دارند بسیار دشوار است. امکان تأیید قانونی ثروتهایی که از راه فساد و ارتشا به دست آمده در آینده، خواه به دلایل فنی (مثلاً نبود امکان یا دشواری تشخیص و ضبط ثروتها و اموالی که از راه سؤ استفاده و فساد حاصل شده) و خواه به دلایل سیاسی (مثلاً برای جلب و حفظ پشتیبانی سیاسی)، عامل دیگری است که موجب تشویق فساد و ارتشا می‌شود.

ج) فساد و فحش اجتماعی آن

با گسترش فساد، فحش اجتماعی آن به تدریج کم شده و از بین می‌رود و این به نوبه خود به گسترش فساد کمک می‌کند و اثبومی از عاملان فساد و سؤ استفاده در پهنه اجتماع پدیدار می‌گردند. ثروت مشهود و زندگی پر زرق و برق ایشان ایمان و اعتقاد آنانی را که هنوز به فساد و ارتشا آلوده نشده‌اند سست می‌کند. پولهایی که از طریق سؤ استفاده از راههای نامشروع حاصل می‌شود و قدرت و ظرفیت خریدشان همسان پولهایی است که از راه مشروع به دست می‌آید و از این جهت بین این دو هیچ فرقی وجود ندارد. قانون گرشام (که می‌گوید

پول بد پول خوب را از گردش خارج می‌کند) در مورد فساد نیز مصداق فرد، به این تعبیر که می‌توان گفت اشخاص سؤاستفاده‌گر و فاسد اشخاص صادق و درستکار را از بازار بیرون می‌رانند. اکنون، افراد صادق و درستکار نیز وسوسه و حتی ناگزیر خواهند شد تا در مقابل فساد سر تعظیم فرود آورند و توجیسی که می‌شود این است که "در این اجتماع جایی برای افراد درستکار وجود ندارد و زنده ماندن و ادامه زندگی از راه راست و با درستکاری میسر نیست." این وضعیت را می‌توان با تعبیری که سن مطرح کرده یعنی "پارادوکس انزوا" توصیف و تبیین نمود. در زمینه بحث حاضر فرض می‌کنیم که: (۱) همه اعضای جامعه چنین می‌اندیشند که صرف‌نظر از درستکاری یا نادرستی دیگران خودشان، به منزله افراد، با نادرستی وضعیت بهتری خواهند داشت؛ (۲) در صورتی که بتوان بسن دو شق همه درستکار و با همه نادرست یکی را اختیار کرد، اشخاص فکر می‌کنند اگر درستکار باشند از وضعیت بهتری برخوردار خواهند بود. بنابراین، در صورت عدم تبانی بین اعضای اجتماع از لحاظ بهیجگی به مفهوم "پارتو" بی، نتیجه شق پست‌تر یعنی انتخاب نادرستی توسط همه افراد خواهد بود. بنابراین، افراد می‌توانند با تبانی وضع بهتری داشته باشند، اما تحقق این امر بدون اجبار محتمل نیست. البته وضعیت آن قدرها هم بد نیست. کافی است فرض (۲) را به صورت زیر اصلاح کنیم: هر فردی ترجیح می‌دهد درستکار باشد، به شرط آنکه دیگران نیز همین شیوه را اختیار کنند. فرض (۱) بدون تغییر می‌ماند. در اینجا، این باور که دیگران درستکارند حایز کمال اهمیت است. اگر بتوان این باور را ارتقا کرد می‌توان روند پیوستن مردمان صادق را به جرگه فاسدان متوقف نمود. این همان چیزی است که سن آنرا "پارادوکس اعتماد و اطمینان" نامیده است. نبود این اطمینان و

اعتماد می‌تواند از جمله علل و عوامل مهم گسترش فساد باشد، همان گونه که عملاً نیز چنین بوده‌است.

۶. قابلیت تعمیم اصول مورد بحث

اکنون قصد ما این است که نشان دهیم اصولی را که مبنای قدرت مشارکت در فساد و ارتشا است می‌توان به بسیاری از فعالیتها بسط و تعمیم داد. تقلب در مواد و فرآورده‌های غذایی و دخل‌سازی کاری خلاف قانون و سزاوار کیفر است زیرا به بهداشت عمومی زیان می‌رساند. بازرسی که مسئول بررسی و تأیید کیفیت این مواد و فرآورده‌های غذایی است می‌تواند از قدرت و اختیارات خود در جهت رشوه گرفتن از فروشنده مقلب و نافرست سو استفاده کند. در این معامله هر دو سود می‌برند و هزینه آن را جامعه می‌پردازد. اتصال غیرمجاز آب و برق و تلفن و گاز و نظایر آن عملی غیرقانونی است، زیرا بار مالیه ظفره‌روها را مشترکین رسمی باید بپردازند برای فریب دادن مردم بازرسها به راحتی می‌توانند با ظفره‌روها تانی کنند. در حالتی که بازرس صادق است اما ظفره‌رو دارای قدرت سیاسی، با مورد فساد سیاسی مواجهیم زیرا آنچه در این حالت اتفاق می‌افتد تبدیل قدرت سیاسی به ثروت خصوصی است که هزینه آن را جامعه می‌پردازد و زیان آن متوجه جامعه می‌شود. حزب سیاسی حامی ظفره‌رو نیز در فساد سیاسی مشارکت و دخالت دارد و این در واقع مصداق خیانت در امانت است. امانتی که جامعه به حزب سپرده است. دادن اطلاعات حساس و حیاتی مربوط به سیاستهای دولت به افراد مورد توجه (پهروان و حامیان سیاسی، اعضای حزب و جز آن) برای استفاده‌های مالی و غیر آن، فساد محسوب می‌شود. این گونه درز کردن اطلاعات به خارج، سو استفاده از قدرت انحصاری در جهت تأمین منافع خصوصی است، قدرتی که براساس اعتماد

مردم و به منزله امین مردم تحصیل شده است. برای نمونه، می‌توان موارد مشابه دیگری را نیز مطرح کرد. راه یافتن دروهای بیمارستانی به بازار باز و با فروش غیرمجاز کالاهای و موادی که به امداد و کمک‌رسانی تخصیص یافته‌اند از جمله همین موارد است. فزدها، راهزنان مسلح و قاتلها می‌توانند از دستگیری و مجازات بگریزند، مجریانی که به هیچ نحو نباید از حبس خارج شوند به نحو اسرار آمیزی از زندانها بیرون می‌آیند، احکام را عالمها عامداً غیرمنصفانه صادر می‌کنند و در مدارک و اسناد بازرسیهای دولتی دست برده می‌شود. وقوع این گونه حوادث زیانبار از لحاظ اجتماعی به واسطه وجود انگیزه‌های سو استفاده و تقلب است که ناشی از قدرت انحصاری اشخاصی است که به فساد و ارتشا مبادرت می‌ورزند و این امر نیز خود ناشی از عدم اجرای قانون به دلایل مختلف است.

باید توجه داشت که فساد و ارتشا لزوماً فقط به کارکنان و مأموران دولت یا دستگاههای عمومی یا آنهاست که امین مردم و حافظ منافع عام هستند محدود و منحصر نیست. برای روشن شدن مطلب فرض کنید که اختیارات مربوط به وصول عوارض گمرکی در حدود نرخهای تعیین شده به یک شرکت خصوصی منتقل شود. طبقاً بازرسی که در استخدام شرکت خصوصی است در معرض همان وسوسه‌هایی قرار می‌گیرد که بازرس دولتی در معرض آن قرار دارد و همان گونه که بازرس دولتی سر جامعه را گناه می‌گذارد و در کارش تقلب می‌کند، بازرس شرکت خصوصی نیز شرکت متبوعش را فریب می‌دهد. تفاوت در این است که در مورد شرکت خصوصی احتمال کشف تقلب سو استفاده بیشتر از شرکت دولتی است، گذشته از این، شرکت خصوصی برای پاداش دادن به کارکنان خود در قبال عملکرد مطلوب و یا تنبیه آنها در قبال عملکرد نامطلوب یا تقلب و سو استفاده در مقایسه با شرکت دولتی آسازگی و امکانات

بیشتری از شرکت دولتی دارد.

پایان سخن

این مقاله معطوف به ارائه راههای مبارزه با فساد و ارتشا نیست بلکه هدف از آن درک مبانی فساد و ارتشا از دیدگاه اقتصاد غرد است. با این حال، شاید بی‌مناسبت نباشد که درباره خطوط کلی مبارزه با فساد و ارتشا چند نکته مطرح شود. اقداماتی که در جهت مبارزه با فساد به عمل می‌آید، صرف نظر از کم و کیف آن باید به هر حال طوری طراحی شود که میل به فساد و مبادرت به ارتشا را کاهش دهد. این امر را می‌توان با فراهم کردن انگیزه‌ها یا ایجاد محدودیت‌هایی در جهت دشوار کردن یا غیرممکن ساختن تحقق این اعمال به انجام رسانید. این انگیزه‌ها و محدودیت‌ها را می‌توان از حوزه اخلاقیات و از قلمرو تکنولوژی و مدیریت علمی برگرفت. در مبارزه علیه فساد به ویژه در مواردی که تعیین مسئولیت‌ها به دلایل فنی مشکل و یا پرهزینه باشد، همواره می‌توان به تشریح و اصلاح اخلاقی اتکا کرد. اما این فرایند بطنی و کند است و شاید هم به همین دلیل است که در قواعد و هنجارهای اخلاقی باید ضمانت اجرا و تنبیهات لازم در قبال رفتار غیراخلاقی پیش‌بینی و

گنجانده شود. وسایل و ابزارهای تکنولوژیکی (مانند ضبط نوار و ویدئو و نظارت و بازرسی الکترونیکی) و روش‌ها و شیوه‌های مدیریت علمی (نظیر طراحی ساختارهای نظارتی مناسب در مورد انواع خاصی از معاملات در فعالیت‌های مهمین) می‌توانند به‌عنوان جانشین مراقبت نفس و غریب‌شناسی در قواعد و هنجارهای اخلاقی شوند. تکنولوژی را می‌توان به طور وسیع و غیرشخصی به کار گرفت اما در مقایسه با نبود و پرهیزهای اخلاقی، کاربرد آن گرانتر و پرهزینه‌تر است. بنابراین فرض که آدمیزاد عموماً در معرض وسوسه فاسد شدن قرار دارد، بخشی از هر طرح عملی مبارزه با فساد باید معطوف به این باشد که فرصت‌ها و امکاناتی را که برای فساد و سؤ استفاده وجود دارد، از طریق به کار بردن ابزارها و وسایل تکنولوژیکی مناسب و فنون مدیریت علمی محدود سازد. گرچه بدین نکته نیز باید توجه داشت که فساد مسئله‌ای اجتماعی است و به همین لحاظ برای کنترل و مهار کردن آن نمی‌توان صرفاً به ابزارها و شیوه‌های تکنولوژیکی اتکا کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پادداشته

۱. اسکات بین فساد "پاروشال" (Parochial) و فساد بازار غفلت می‌گذارد، اما این غفلت‌گذاری برای مقاصد تحلیلی ما در اینجا چندین مفید به نظر نمی‌رسد. نگاه کنید به: Scott (1972).

۲. این ستاره را می‌توان بدین‌سانه فلنداد کرد زیرا یادگیری از راه عمل می‌تواند در جهت عکس نیز موثر باشد. مثلاً اگر واردکننده به شیوه دادخوایی و رسیدگی اداری یا قانونی موقبل شود و از آن نتیجه بگیرد، به دیگران نیز توصیه خواهد کرد که تسلیم نشوند و راههای دیگر را بیازمایند. این مطلب با نکتهای که راس (1971) در باب برآمدن و تکامل جامعه مبتنی بر عدل مطرح ساخته مطابقت دارد. استدلال فر این است که در زمینه سادال برپا رفتار اخلاقی یک شخص متقابلاً باعث تقویت رفتار اخلاقی در دیگران می‌شود. این استدلال فقط هنگامی درست است که زمینه برای آزمودن راههای دیگر و انتخاب شقوق کم هزینه‌تر از شق رشوه وجود داشته باشد. اما وقتی که شق رشومندی و رشومنتی شکل یک بازی جمع مثبت را داشته باشد، انتخاب آن هیت جایگز خواهد بود، قبله اگر مبلغ رشوه درست تعیین شود.

۳. علی‌الاصول، در هر بنگاه یا مؤسسه انحصاری خصوصی که دارای ساخت و تشکیلات سلسله مراتبی باشد قدرت شبه انحصاری می‌تواند به وجود آید. اما اعمال این قدرت در جهت منافع شخصی و شخصی در این بنگاهها دشوارتر از انحصارهای دولتی است.

۴. حتی اگر ایشان صادق و درستکار بوده و مصمم باشند که صادق و درستکار نیز باقی بمانند ممکن است ناگزیر شوند که بین صادق ماندن و حفظ شغل خویش یکی را انتخاب کنند؛ در این صورت، احتمال دارد که نظرفشان را تغییر دهند. اگر مقامات مجبور شوند که شق خروج را انتخاب کنند، دیگر افعال نظم و انضباط داخلی برای کنترل فساد برایشان مقدور نخواهد بود.

۵. وقتی کارکنان شایسته و برتر از بنگاه بروند یا از عملکردشان بکفند، سازمان با مسئله معروف گزینش ناسازگار مواجه خواهد شد، زیرا در صورتی که اقدامی برای اصلاح وضعیت انجام نشود در طی زمان عملکرد متوسط کاهش خواهد یافت.

۶. پیچیدگی دیگر ناشی از مسئله تمارش هدفهای چندگانه است که چند تصمیمگیری در یک سازمان واحد تعقیب می‌کنند.

۷. بررسیها و مطالعات تجربی نشان داده است که در رفتارهای گروهی وصول به تعاون و همکاری مشترک فقط به تعداد بازیکنان بستگی ندارد بلکه در عین حال به شمار دفعات بازی به شمار سود حاصل از به کار گرفتن راضرد تعاون در مقایسه با زمان ناشی از استفاده از روشی مغایر با آن و همچنین به سود حاصل از اجرای موفقیت آمیز بازی به شیوههای غیرمبتنی بر تعاون نیز وابسته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی